

ایران وجود داشته معتقد است:

«محلله‌های دهکده که کوچه‌های تنگ و پیچ‌پیچ آنها را قطع می‌کرد، به وسیلهٔ مرزها از یکدیگر مجزا می‌گردید».^۱

وی در جای دیگر در مورد اتاقهای این خانه‌های اولیه معتقد است که:

«درهای خانه‌ها به طرز عجیبی پست و کوتاه بود و در مدخل، اجاقی قرار داشت دارای دو قسمت که یکی برای طبخ غذا و دیگری از فرار معلوم مختص پختن نان بوده است. در یک طرف خمرهٔ کوچکی برای آب در زمین قرار داده بودند. در این خانه‌ها اثاثیه و لوازم مختصری از گِل کوفته مشاهده می‌شود که هر چند ابتدایی و مقدماتی است مع هذا احتیاج به طاقچه‌ها یا چینه‌های کوچک سنگی را برای نگهداری اشیاء و آذوقه‌های مختلف می‌رساند».^۲

خصوصیات این نوع معماری را هنوز هم می‌توان در روستاهای ایران دید. بر همین اساس است که عده‌ای از جامعه‌شناسان و پژوهشگران جامعهٔ روستایی معتقدند که «دیه‌های ایران امروز با دیه‌های شش هزار سال قبل از نظر شکل و سیما فرق چندانی ندارند. همان خانه‌های حقیرگلی و خشتی، کوچه‌های نامنظم، درهای کوتاه منازل و چند پنجرهٔ محدود. گویی از آن زمان تاکنون هنوز باقی مانده است».^۳

قبل از اینکه وارد بحث معماری سنتی شویم لازم است در مورد اصل و ریشهٔ این روستا جملاتی هر چند مختصر بیاوریم.

اگر به گوشه و کنار ایران پهناور مسافرت کنیم، اغلب با مردم روستاها و شهرهایی برخورد می‌کنیم که دارای فرهنگی متفاوت با فرهنگ مردم آن منطقه هستند. اولین نشانهٔ این تفاوت فرهنگی، گویش آنهاست. بعضی از این گویشها بقدری با زبان فارسی متفاوتند که برای افراد غیر محلی و حتی مردم روستاهای اطراف آن نامفهوم است. در استان فارس چنین روستاهایی کم نیستند. از جمله آنها روستای دوان واقع در شهرستان کازرون است. گویش مردم دوان با گویشهای کازرونی، لری و روستاهای قدیمی جلگهٔ کازرون متفاوت است تا حدی که آن را زبانی عجیب و غریب می‌دانند. چرا چنین است؟ اگر اینان از تبار دیگر مردم منطقهٔ سکونت خود

(۲) همانجا، ۱۳۵۵: ۳۴.

(۱) گریشن، ۱۳۵۵: ۲۰.

(۳) بهنام و راسخ، ۱۳۴۸: ۴۴۴.

هستند، پس چرا زبانشان از زبان بقیه روستاهای اطراف مطلقاً جداست؟ نظر قطعی و صحیح در این مورد این است که آنها را به محل فعلی کوچانده‌اند. اینکه این مردم چگونه و در چه زمان مشخصی به دوان کوچ کرده‌اند، برنگارنده معلوم نیست. شاید بتوان با بررسی این گویش و مقایسه آن با زبانهای ایرانی پیش از اسلام به نتیجه مثبتی رسید و اصل و نسب آنان را یافت.^۱

بنا به شواهد تاریخی، ایران قدیم در زمان امپراتوریهای متعدد قبل و بعد از اسلام، مورد تاخت و تاز بوده است. چه زمانی که امپراتوری از ایران در پی کشورگشایی به کشورهای همجوار لشکر کشیده است و چه زمانی که امپراتوران دیگر در اثر ضعف حکومت وقت ایران، این سرزمین را مورد تاخت و تاز قرار می‌داده‌اند. نتیجه این جنگ‌ها اگر چه برای قدرت پیروز، غنایم فراوان برای مال اندوزی فرماندهان و در رأس آنان پادشاه به همراه داشت و همچنین برای کشور مقابل موقتاً خفت شکست با خود داشت، اما شکست خوردگان اصلی و همیشگی چه در پیروزی و چه در شکست، مردم بودند. معمولاً در این جنگ‌ها عده زیادی از جوانان و امیدهای آینده مملکت کشته می‌شدند و بقیه که در جنگ شرکت نداشتند به اسارت می‌رفتند. اغلب، حکومت غالب، مردم را به اسارت گرفته و با خود به کشور خویش می‌برد و در نقاطی که در برنامه عمرانی قرار داشت، اسکان می‌داد و در اردوگاههای کار اجباری از آنها کار می‌کشید. نمونه این به اسارت بردن‌ها در کتب تاریخی فراوان است. در کتاب ایرانشهر می‌خوانیم:

«در سال ۲۵۹ میلادی مجدداً جنگ بین ایران و روم آغاز شد و در سال بعد قوای متخاصم در نزدیکی ادسا (edessâ) پایتخت کشور اسروئن (osroene) با هم برخورد نمودند. این جنگ به پیروزی کامل شاپور اول منتج گردید و والرین امپراتور روم با عده زیادی از لشکریانش اسیر ایرانیان گردید. ایرانیها در حدود هفتاد هزار نفر از رومیها را اسیر و با خود به ایران آوردند، و اسرای مزبور را در اغلب شهرها و بخصوص شوستر و اطراف آن جای دادند. شاپور این شهر را به تازگی در قسمت جنوب غربی ایران بنا نهاده بود».^۲

۱) در کتاب «تاریخ مفصل کردستان» از دوان به عنوان یکی از نواحی کردستان نام برده شده (ر.ک. صفحه ۴۱۱). همچنین در کتاب «نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی» نوشته ایرج افشار سیستانی، از بندرهای دوان خاوری و باختری در ۲۴ کیلومتری باختر بندرلنگه نام برده شده (ر.ک. صفحه ۱۱۴ کتاب مذکور، چاپ شرکت کشتیرانی والفجر هشت، تهران، سال ۱۳۷۶).
 ۲) کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲: ۳۴۹.

در کتب دیگر راجع به کوچ دادن مردم از نقطه‌ای به نقطه دیگر فراوان به چشم می‌خورد که در این مختصر نمی‌گنجد. اما راجع به کوچ دادن رومیهای اسیر به شوستر و همچنین کوچ دادن مردمی از غرب ایران به ارجان و نقاطی دیگر از خوزستان، دستمایه این نظر است که امروزه هر قومی که در هر نقطه زندگی می‌کند، از ابتدای خلقت در آنجا سکونت نداشته بلکه به دلایل مختلف از جمله جنگ، دامداری یا اتفاقات طبیعی و غیره به منطقه‌ای وارد شده‌اند که بومیانی در آنجا می‌زیسته‌اند.

مردم دوان از خیلی لحاظ با مردم کازرون یکی نبوده و نیستند. اینان زبانی دارند که مربوط به لهجه‌های فارسی میانه است. در منطقه شهرستان کازرون روستای دیگری که این زبان را با تمام خصوصیات آن داشته باشد، وجود ندارد. علاوه بر این خصلتهای مردم دوان با مردم جلگه کازرون متفاوت است. دوانی‌ها مردمی سخت‌کوش، کنجکاو، آینده‌نگر و دوستدار مدارج عالی هستند اینان نیز یقیناً در زمان دولتهای اشکانیان و ساسانیان از نقاطی به نقطه فعلی کوچ کرده‌اند. و چون در بن‌بست رشته کوه‌های زاگرس مسکن گزیده‌اند و پای غیر خودی بدانجا نرسیده، بعد از قرن‌ها، هنوز دارای ویژگیهای فرهنگی هستند. و گویششان از نظر ساخت و واژگان منحصر بفرد می‌باشد.

بجز گویش مردم این روستا که بزرگترین سند قدمت آن است، بارزترین نشانه وجود دوان در قبل از اسلام، وجود بقعه شیخ عالی است که در میان روستا تا به امروز بر سر پا مانده است. در نزدیکی دوان در دامنه شرقی کوه ترو (teru) آثاری از یک روستا وجود دارد که امروزه تنها دیوارهایی کوتاه که با سنگهای تراشیده چیده شده باقی است. گویا این روستا محل زندگی قبلی مردم دوان بوده که بعدها بنا به دلایلی از آنجا به جای فعلی کوچ کرده‌اند. کسی تاریخ این نقل مکان را نمی‌داند، اما آنچه مسلم است باید مربوط به قبل از اسلام و قبل از بنای بقعه شیخ عالی باشد.

در گوشه و کنار روستا و عمدتاً در مساجد قدیمی و مخروبه روستا، ته ستونهایی ساده یا نقش دار پیدا شده که شبیه به ته ستونهای یافت شده در شهر بیشاپور کازرون (متعلق به دوره ساسانی) است. بعضی از این ته ستونها دارای ظاهری چهارگوش با سطحی مدورند و بعضی شبیه به کره‌ای ناقصند که بر پایه‌ای تخت قرار دارد. این ته ستونها احتمالاً مربوط به دوره‌های آل‌بویه و

سلجوقیان است.

از آثار خطی قرون اولیه اسلام نیز سنگ نوشته‌هایی به خط کوفی موجود است که در قبرستانهای دوان یافت شده‌اند. قدیمی‌ترین آن مربوط به سال ۴۱۶ هجری قمری و متعلق به شخصی به نام محمد بن شیرزاد است. متن این سنگ نوشته چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ. هَذَا قَبْرُ مُحَمَّدِ بْنِ شِيرَزَادِ تُوْفِي سَنَةَ سِتِّ عَشْرٍ وَارْبَعِ مِائَةٍ رَحِمَهُ اللَّهُ رَضِيَ عَلَيْهِ.» این سنگ هم اکنون در کنار بقعه حیات غیب و در کنار چند سنگ دیگر در ساختمان قبری معروف به «دو فرزندان» موجود است. سنگهای دیگری غیر از این در نقاط دیگر روستا وجود دارد که تاریخ جدیدترین آنها ۵۱۲ هجری می‌باشد.



تصویر ۲-۱: سنگ نوشته به خط کوفی (۴۱۶ هـ ق)

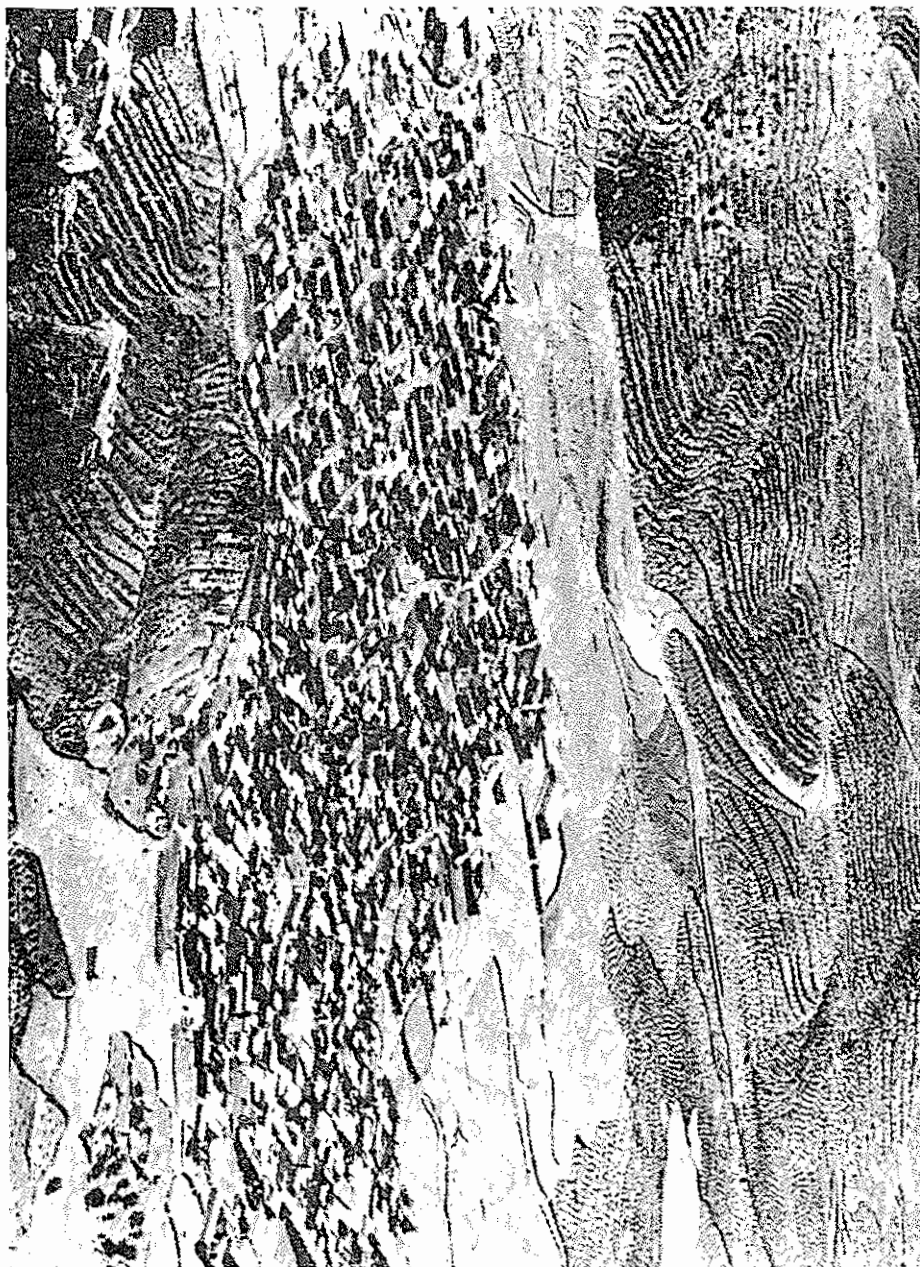
فضای روستا

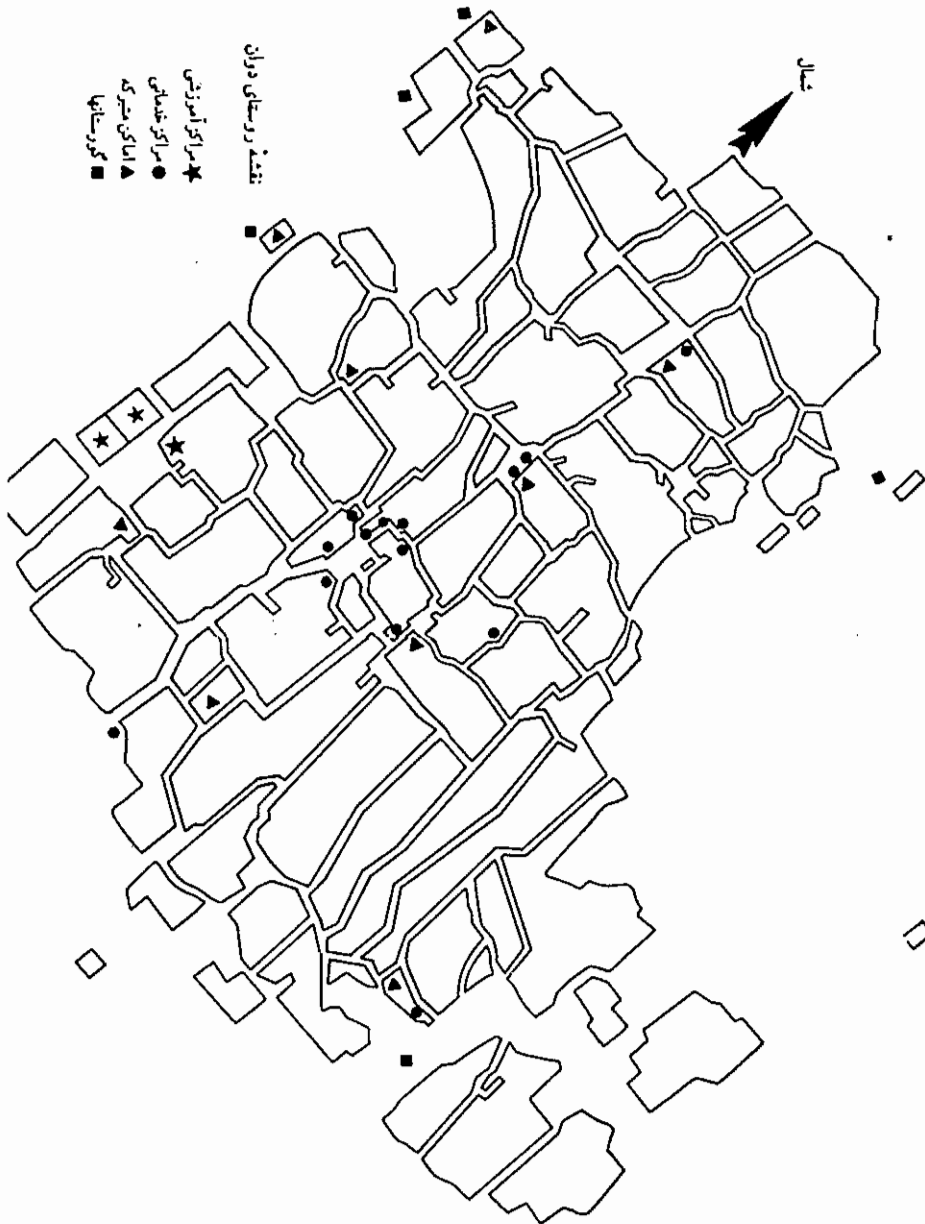
روستای دوان در دامنه کوهی از سلسله جبال زاگرس به نام کوه دوان، در شبی تقریباً تند واقع است. دور تا دور آن را کوه فرا گرفته و تنها از طریق تنگه‌ای به جلگه کازرون راه دارد. این روستا در ۷۵ بلوک متمرکز است. بلوکها به وسیله کوزه‌های تنگ، نامنظم و ناهموار از یکدیگر جدا می‌شوند. تعداد کوزه‌های در مرو (darmarô) (بن‌بست) کم است و بیشتر کوزه‌ها به اصطلاح در بُرو (darborô) هستند.

کوزه‌های شرقی - غربی دارای شیب ملایم و گاهی تند و پله‌دار هستند؛ ولی کوزه‌های شمالی - جنوبی شیب ندارند یا دارای شیب اندک هستند. کوزه‌های شرقی - غربی به دلایل شبی که دارند آب باران در زمستانها کف آنها را می‌شوید و آنها را ناهموارتر می‌کند. ده به دلیل کم آبی، در گذشته دارای کوزه‌های بی درخت بود اما بتازگی آب روستا به صورت لوله کشی تأمین شده است.

از لحاظ تیپ‌شناسی روستا دارای تیپ گرد آمده (متمرکز) است زیرا خانه‌ها در همسایگی یکدیگر بوده و روستا چشم‌انداز متمرکزی دارد. اگر چه در این تیپ کشتزارها از خانواده‌های روستایی جداست و فاصله دارد، اما در دوان استثنائاتی دیده می‌شود. در قسمتهایی از فضای روستا قطعات زمینهای زراعی کوچک به نام کلو (kalu) دیده می‌شود که در آنها گندم و جو کاشته می‌شود و به مصرف تغذیه چارپایان می‌رسد.

عوامل متعددی در شکل دادن به بافت روستا مؤثر بوده که شکل کنونی مناسبترین بافت سکونت بوده است. شاید مهمترین عامل در متمرکز شدن ساخت روستا، ضرورت دفاع بهتر و ایجاد امنیت در برابر عوامل طبیعی بوده است. این عوامل طبیعی در ارتباط با محیط دوان گوناگون بوده است، مثلاً به پیروی از قانون کمترین تلاش در تأمین نیازمندیهای همچون آب، روستای دوان در محیطی وسیع در جوار چشمه بل پَـسِه (bal-epa:se) بوجود آمده است. اصولاً از لحاظ جامعه‌شناسی روستایی زمینهای ناهموار و کوهستانی پیدایی تیپ گرد آمده را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.^۱





مختصات تپ روستای دوان به شرح زیر است:

- ۱ - به علت قرار گرفتن در يك شیب نسبتاً تند روستا تقریباً پلکانی است به طوری که در بسیاری از قسمتهای روستا حیاط يك خانه همطراز با پشت بام خانه پایینی است.
- ۲ - اگر چه روستای دوان از يك همگنی فرهنگی برخوردار است، اما به لحاظ فیزیکی از دو محل مجزا (محل بالا و محل پایین) تشکیل شده که يك کوچه طویل با شیب تند از شرق به غرب مرز بین دو محل را مشخص می نماید.

چنین به نظر می آید که مرکزیت فرهنگی روستا قبل از اسلام آتشکده ای بوده که امروز معروف به بقعه شیخ عالی است. این مرکزیت فرهنگی در ساخت فیزیکی روستا تأثیر داشته است. بعد از اسلام بقعه شاه سلیمان مرکزیت روستا را تشکیل داده و بعد از تبدیل شدن آتشکده به آرامگاه علمای دوان (از قرن پنجم هجری به بعد) روستا دارای دو مرکزیت فرهنگی شده است.

مصالح ساختمانی

یکی از تفاوت های عمده معماری های مناطق مختلف ایران، علاوه بر فرم معماری، نوع مصالحی است که در هر يك بکار رفته است. معماری روستای دوان به دلیل وجود عناصری چون سنگ، چوب، خاک، گچ و آهک که به فراوانی در محیط روستا و اطراف آن یافت می شود، نوع خاصی از معماری قدیمی ایران را به نمایش می گذارد. به دلیل کوهستانی بودن منطقه، سنگ از عمده ترین مواد اولیه معماری دوان است که به وفور می توان در اختیار داشت. به همین دلیل است که ماده همه بناهای روستا از قدیمی ترین آنها (بقعه شیخ عالی) تا جدیدترین آنها، سنگ هایی از نوع خارا و بادبر است.

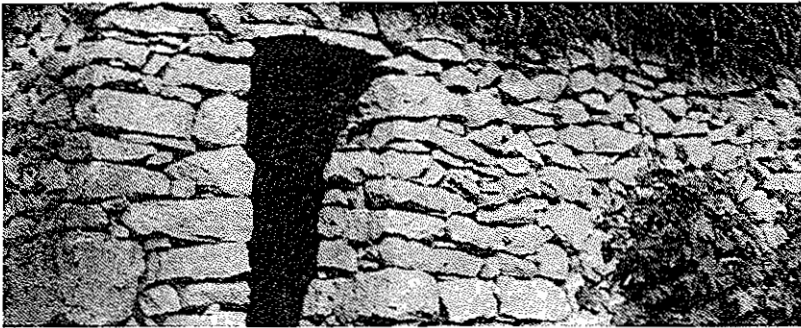
از دیگر عناصر معماری روستا چوب است. چوب گیاهانی چون بلوط که به صورت جنگلی وسیع کوه های شمالی (کوه دوان) را پوشانده است، سقف اغلب اتاق های قدیمی تر روستا را تشکیل می دهد.

خاک نیز که در پوشش بام خانه ها بکار می رود از جمله عناصر معماری روستاست، که به صورت کاه گل استفاده می شود.

گچ عنصر دیگری است که به صورت ملات بکار رفته است. ماده اولیه آن از تپه های اطراف

کازرون که معدن بسیار وسیعی است تهیه می‌شود. تا حدود ۳۰ سال پیش بعد از پخت، سنگ گچ «کف» (kaf)، به وسیلهٔ تمرگچ کویی (tamr - e gats koyi) - وسیله‌ای چوبی و در عین حال سنگین - کوبیده می‌شد. ولی امروزه در کنار هر معدن يك کارخانهٔ گچ وجود دارد که گچهای مورد نیاز را خرد کرده و در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند.

آهک آخرین عنصر مورد بحث است. آهک در شالوده ساختمان‌ها بکار می‌رود.



تصویر ۲-۲: نمونه‌ای از دیوار چینی

شالوده‌هایی عمیق و قطور که کف آن بر روی زه (zeh = دژ) قرار گرفته و از گل و آهک و قلوه سنگ پر شده است.

بقعهٔ شیخ عالی

در میان آثار معماری دوان بقعهٔ شیخ عالی، برجسته‌ترین بنای این روستاست، که چون درختی کهنسال در میان روستا برافراشته و پابرجاست. این بنا يك چهارطاقی عظیم دورهٔ ساسانی است که بر فراز آن گنبدی قرار دارد و چون رو به شمال آن را بنگریم مناری در سمت راست آن نمایان است.

در کنار هیچ چهارطاقی زمان ساسانی اثر مناری دیده نشده است. منار بقعهٔ شیخ عالی دارای سنگهای تراشیده و منظم با ابعاد مستطیلی است، و با تفاوتی که در نوع چیدن سنگهای آن با

سنگهای بنای اصلی وجود دارد، معلوم می‌شود که مربوط به يك زمان نیستند و منار مزبور را باید در دوره اسلامی در کنار بنای چهارطاقی بر پا کرده باشند.

در سمت شرقی جلگه کازرون و در طول جاده کازرون به فیروز آباد تعدادی از این نوع چهارطاقی‌ها هنوز باقی است. این چهارطاقی‌ها دارای ساختمانی یکسان و شبیه به هم هستند. نمونه ارزنده آنها کاخ ساسانی در سروستان فارس است که بقعه شیخ عالی از نظر معماری شباهت زیادی با آن دارد.

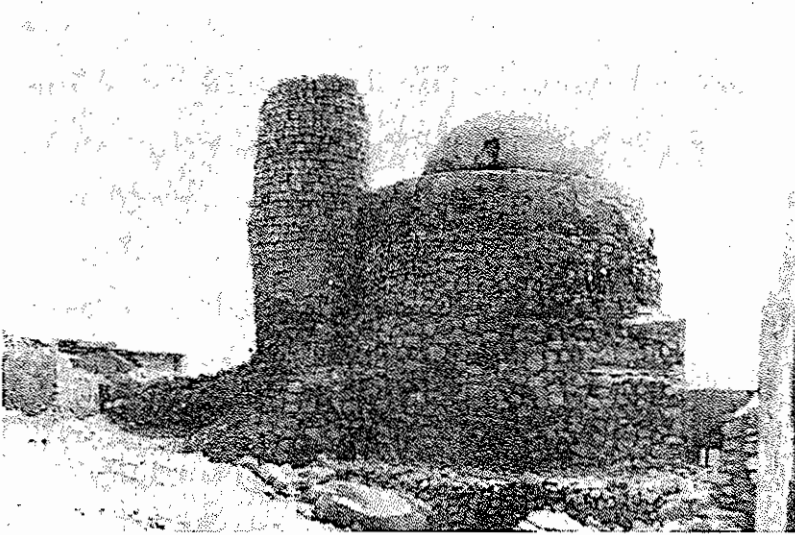
دکتر مصطفوی در مورد این بناها نوشته‌اند:

«بنای این چهارطاقی‌ها به طور کلی مشتمل بر چهار پایه استوار است که عموماً از سنگ بادر ساخته شده و روی آن چهارلنگه طاق ضربی از همان نوع سنگ احداث نموده، پوشش گنبدی را بر فراز چنین بنایی می‌زده‌اند؛ و بدین ترتیب ساختمانی به صورت کوشک بوجود می‌آید که در چهار جانب آن چهار درگاهی باز قرار داشت.»^۱

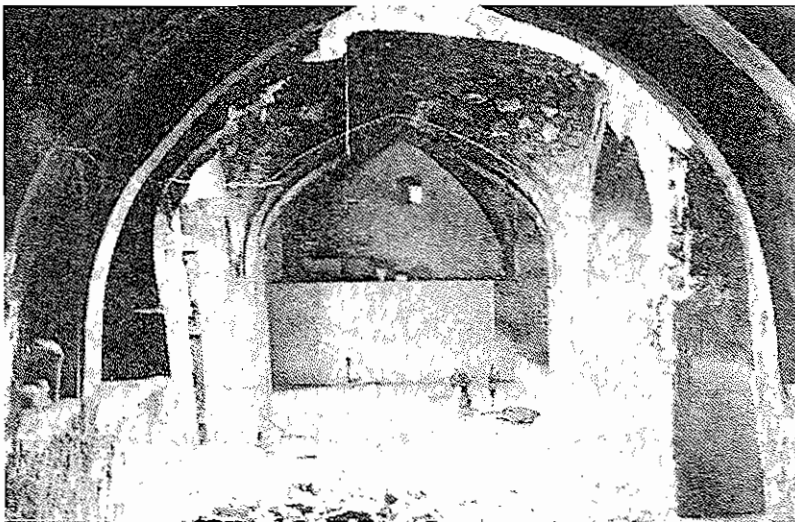
ریشه‌های هنر و معماری عهد ساسانیان را باید در دوره اشکانیان جستجو کرد. شروع معماری چهارطاقی نیز در دوره اشکانیان شروع شده است. چرا که برای اولین بار در زمان این سلسله پوششهای گنبدی بر فراز تالارها به صورتی مشخص نمایان شده است. اما زمان زیادی گذشته تا مهندسان ایرانی برای قرار گرفتن گنبد مدور بر پایه‌های چهارگوش به نتیجه برسند.

برای رفع این معضل در چهارگوشه چهارطاقی گوشواره‌هایی را ایجاد کردند و اضلاع مربع را به کثیرالاضلاع تبدیل کردند و این کار را در گوشه‌های کثیرالاضلاع تا جایی تکرار کردند که بتدریج به شکل دایره درآمد و زمینه ایجاد گنبد مدور بر پایه‌های چهارگوش را بوجود آوردند. در بقعه شیخ عالی این تکنیک را به نحو مطلوبی رعایت کرده‌اند.

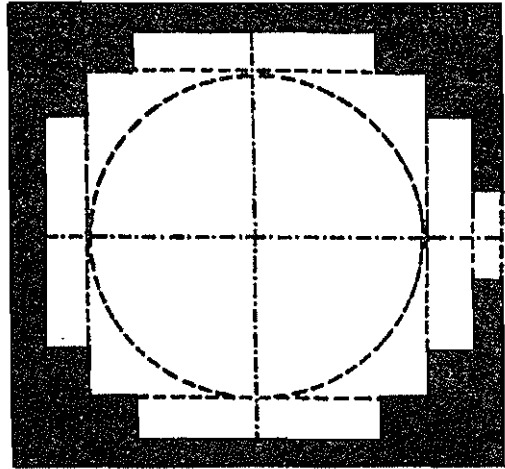
بنای شیخ عالی پس از انقلاب توسط اداره باستان‌شناسی استان فارس به عنوان آثار باستانی ایران به ثبت رسیده است. از همان سال شبستان جلوی آن که مربوط به دوران اسلامی است شروع به مرمت شده و هنوز به پایان نرسیده است.



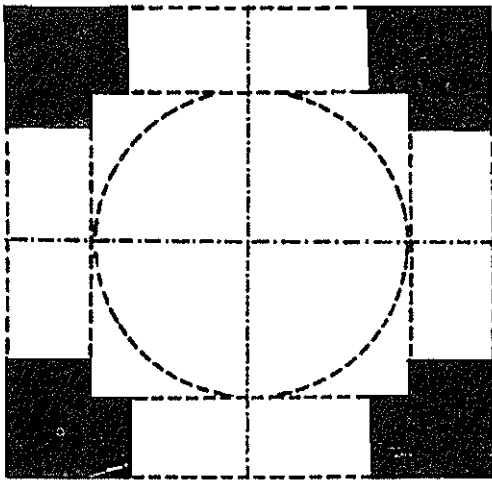
تصویر ۲-۳: بقعه شیخ عالی



تصویر ۲-۴: شبستان بقعه شیخ عالی



تصویر ۲-۵: پلان بقعه شیخ عالی



تصویر ۲-۶: پلان کاخ سروستان



تصویر ۲۷: یکی از چهارگوشواره بقعه شیخ عالی

امروزه بنای شیخ عالی چون بسیاری از معابد دوره ساسانیان که در دوره اسلامی به مسجد و مدفن بزرگان اسلامی تبدیل شده است، مدفن بسیاری از علما و خطیبان دوران مختلف دوان است. از جمله مقبره‌ای در صحن بقعه و در زیر گنبد قرار دارد که سنگ آن صندوقی به ابعاد ۱۴۷/۵ سانتی متر طول، ۴۸ سانتی متر عرض و ۴۷ سانتی متر ارتفاع است. در چهار گوشه آن چهار سنگ تقریباً استوانه‌ای قرار دارد که زائده زیر آنها در فرو رفتگی‌های سنگ قبر جا گرفته و استوار شده است.

در وجوه مختلف سنگ آیه‌های قرآنی را با خط کوفی نوشته‌اند. این کتابه‌ها چنین است:

«سمت راست: شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و اوالوالعلم قائماً بالقسط...

سمت چپ: بسم الله الرحمن الرحيم كل من عليها فان ويبقى وجه ربك ذوالجلال والاکرام.
پایین پا: لا اله الا الله محمد رسول الله

بالای سر: هذا قبر علی بن احمد الخطیب^۱ نورالله قبره توفی فی شهر رمضان سنه احدی و

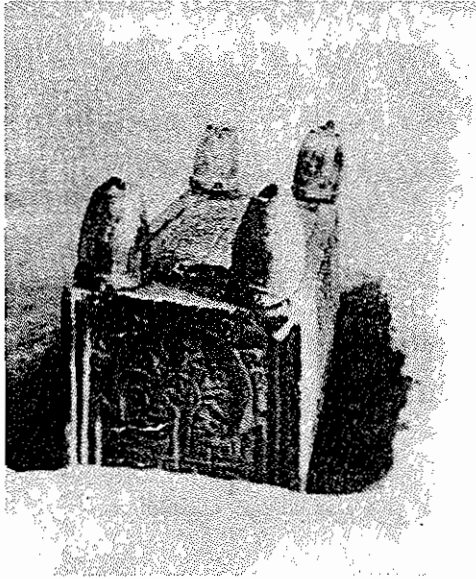
اربعین [واربعمانه]^۲

مجزا از سنگ صندوقی مقبره سنگ مسطح دیگری به ضخامت حدود ۳ سانتی متر و کوتاهتر از طول سنگ صندوقی با کمی قوس، روی قسمت بالای سنگ صندوقی قرار دارد که با خطی متفاوت با خطوط دیگر، سوره توحید با تزیینات نوشته شده است.

(۱) ر-ک، فصل سیزدهم علما و مشاهیر.

(۲) مرحوم محمدعلی بن محمدنبی دوانی نام و تاریخ فوت او را اشتباه خوانده است. ایشان نوشته‌اند: هذا قبرالشیخ عالی بن الشیخ مظفرالدوانی توفی فی شهر رمضان سنه چهارصد هجری (ر-ک دوانی، ۱۳۴۹: ۴۴۹). همچنین آقای علی دوانی نیز این قبر را قبر شیخ علی دوانی دانسته و نوشته است: «شیخ علی دوانی از مشایخ سرشناس دوان بوده که سالیان دراز پیش از جلال‌الدین از جهان رفته و...» (ر-ک دوانی، ۱۳۳۴: ۱۶۹) این نظر گنگ و مبهم است و معلوم نیست که سالیان دراز یعنی کی و شیخ علی دوانی یعنی کی؟ و در کجا نوشته شده است.

آقای شیخ الحکمانی در تحقیق خود در مورد این سنگ نوشته یاد آور شده‌اند اگر چه کلمه «اربعمانه» نوشته نشده اما با شناختی که از صاحب مقبره بدست می‌آید تاریخ آن باید ۴۴۱ هجری قمری باشد. از نوشته بالای سرسنگ مزبور دو مطلب مستفاد می‌گردد. یکی نام صاحب قبر و دیگری تاریخ فوت وی که از نظر شناسایی این مقبره بسیار حایز اهمیت است.



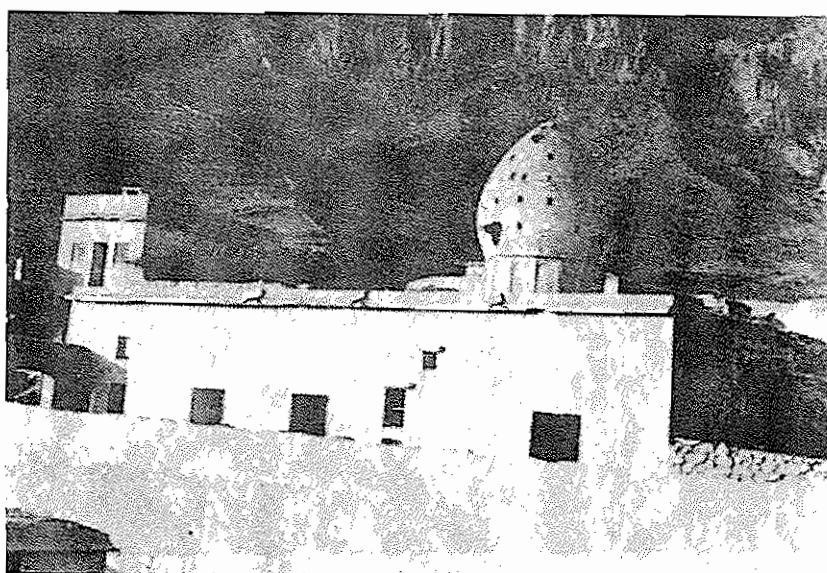
تصویر ۲-۸: لوح بالای سر مقبره



تصویر ۲-۹: سنگ قبر بقعه شیخ عالی

بقعه شاه سلیمان

از دیگر بناهای قدیمی روستا، بقعه «شاه سلیمان» است که بنا به عقیده مردم از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است. اما سندی که این نظر را تأیید نماید تاکنون به دست نیامده است. بنا دارای اتاقی است که مقبره در آن است و بر روی آن گنبد بلندی به سبک گنبد‌های اسلامی قرار دارد. این گنبد چون گنبد شیخ عالی از سنگ و گچ ساخته شده و روی آن سوراخهایی چهارگوش به طور منظم وجود داشته است. حدود ۳ سال پیش گنبد را تعمیر کردند و پوششی از کاشی‌های فیروزه‌ای به آن دادند. سطح گنبد ساده و بدون نقش و نگار است. فقط در یک طرف آن جمله لا اله الا الله نوشته شده و سوراخهای قدیمی آن نیز پوشیده شده است. شبستان این بنا که محل تجمع مردم در روزهای عزاداری، عاشورا و مجالس کتابخوانی و قرآن خوانی است، قبلاً دارای ساختمانی قدیمی با ستونهای قطور سنگ و طاقهای جناغی به صورت چهارطاقی‌های به هم چسبیده بود و حدود ۱۵ سال پیش به دلیل کمبود جا آن را فرو ریختند و از نو ساختند که جوابگوی جمعیت حاضر در مجالس باشد.



تصویر ۱۰-۲: بقعه شاه سلیمان دوان

چهارطاقی‌های امروزی

بنا بر سنت دیرینه معماری این روستا، بر سر راه ورودی هر سرای قدیمی، دروازه‌ای ساخته شده است که اساس آن چهارطاقی کوچکی با معیار معماری امروز تشکیل می‌دهد. این چهارطاقی‌ها بر عکس چهارطاقی‌های دوره ساسانی از ابهت چندانی برخوردار نیستند. علاوه بر این پوشش گنبدی ندارند؛ بلکه دارای پشت بام مسطح می‌باشند که با کاه گل اندود شده‌اند. اما از درون، طاق دارای قوس گنبدی کوتاهی است که در آن اصول معماری چهارطاقی از جمله گوشواره و طاقهای جناغی کم و بیش رعایت شده است.

از چهارطاقی‌های این چهارطاقی‌ها معمولاً دو طرف آن (روبرو یا مجاور هم) باز، و دو طرف دیگر آن از سنگ و ملات گچ پوشانده شده است. در طاقنماهای پوشیده شده سکوهایی جهت استراحت تابستانه ساخته شده است که ارتفاع آنها گاهی تا ۱/۷۰ متر می‌رسد. برای استفاده بیشتر از فضای درون چهارطاقی معمولاً سکوها را توخالی ساخته‌اند که در زمستانها به عنوان آغل زمستانی از آن استفاده می‌کنند.



تصویر ۱۱-۲: یکی از چهارطاقی‌های امروزی



تصویر ۱۲-۲: چهارطاقی دیگر



تصویر ۱۳-۲: دروازه و شانشین ان

در ورودی خانه‌ها معمولاً در قسمت درونی طاقنمای روبه‌کوچه کار گذاشته شده است از این رو این طاقنما بر خلاف طاقنماهای دیگر که نمای آنها از درون چهار طاقی پیداست خود را از سمت کوچه بهتر نشان می‌دهد. با این کار در چوبی خانه در زیر طاقنما از باران زمستانی مصون می‌گردد. در زیر این طاقنما و در دو طرف در ورودی، دو سکو که اصطلاحاً آن را شانشین (šā nešin) می‌گویند درست شده که از آن برای نشستن و استراحت کردن استفاده می‌شود.

طاق

طاقهای جناغی، پوشش سقف اتاقهای روستا را تشکیل می‌دهد. پیدایش طاق را همزمان با پیدایش اولین فرمهای قوسی می‌دانند که قبل از میلاد مسیح بوجود آمده و به مرور در ایران دوره ساسانی رشد کرده و در دوره اسلامی به تعالی رسیده، و در بناهای مساجد و بناهای یادبود عمومیت یافته است. در مورد پیدایش طاق بیان شده است که:

«طبق اسناد و مدارک بدست آمده طاق در حدود هزاره سوم قبل از میلاد در بین‌النهرین بوجود آمده و در زیگورات چغازنبیل و قصر ساراگون در خورس آباد به کار رفته است. بعدها به ایران آمد و در معماری‌های ایران به کار گرفته شده.»^۱

در معماری سنتی دوان از طاقهای جناغی استفاده شایانی شده است. هر طاق جناغی از دو نیم طاق تشکیل شده که روبروی هم بر روی ستونهای قطور اتاق قرار گرفته و سرشان در وسط به هم رسیده است. ما بین این طاقها را با سنگ و ملات گچ پوشانده‌اند. فاصله هر دو طاق حدود ۱ متر است که آن را پُلّه (po:la) می‌گویند. پُلّه واحدی است برای سنجش فضای اتاق. به دلیل دهانه ثابت طاق که حدود ۳ متر است، عرض اتاقها ثابت‌اند. بنابراین کوچکی و بزرگی اتاق در کمی و زیادی طول آن است؛ به عبارت دیگر تعداد پُلّه کوچکی و بزرگی اتاق را تعیین می‌کند. يك اتاق كوچك معمولاً ۳ پُلّه است و يك اتاق بزرگ ۷ پُلّه. برای استفاده بیشتر از فضای اتاق، بین هر دو ستون طاقچه‌ای تعبیه شده که عمق آن حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن تا يك متر می‌رسد. کف طاقچه‌ها معمولاً در ارتفاع يك متری از کف اتاق است. گاهی برای نگهداری

زغال، یکی از طاقچه‌ها را تو خالی می‌سازند، این قسمت را کته (ceta) می‌گویند. برای ساختن طاق اصولی را باید برای خنثی شدن نیروی رانش طاق رعایت نمود: «یکی از اصولی که از ابتدای ایجاد طاق در معماری مد نظر بوده، این بوده است که در این طاقها نیروی رانش طاق و نیروی قائم از طاق می‌بایستی به کمک تکیه گاه و دیوارهای ضخیم تحمل و خنثی گردد. بدین سبب ایجاد تعادل و استواری طاق همواره مستلزم آن بود که دیوارها و تکیه گاههایی قوی برای آن ساخته شده و از ایجاد هرگونه عامل تضعیف کننده در دیوار، مثل سوراخ و پنجره که موجب خرابی قوس طاق می‌شد پرهیز کنند. روی این اصل، اطاقهای اولیه و دالانهایی که با سقف طاقی پوشیده می‌شدند، اغلب بدون پنجره و تاریک و بدون نور بودند»^۱.



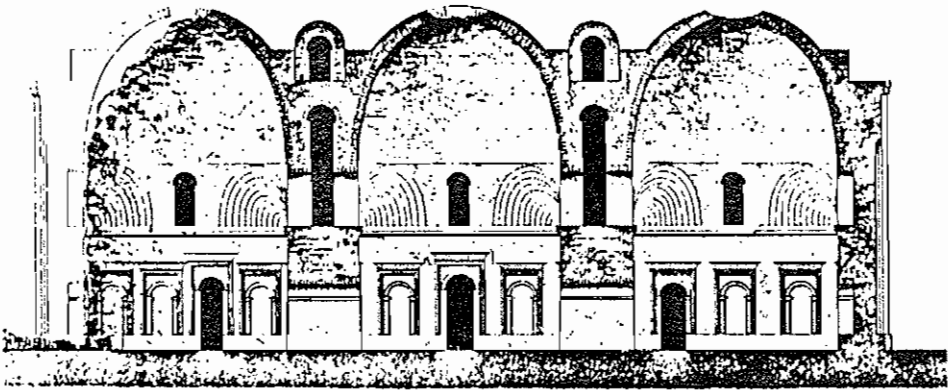
تصویر ۱۴-۲: یکی از اتاقهای روستا

در معماری روستای دوان قواعد مذکور را برای خنثی شدن نیروی رانش طاق کاملاً رعایت کرده‌اند. پایه‌های قطور به ضخامت حدود ۱ متر و گاهی بیشتر که طاقها بر آنها گذاشته شده، دیوارهای بدون سوراخ و پنجره و قوس مناسب طاق همه رعایت شده است. در اتاقهای خانه‌های قدیمی روستا نه تنها از پنجره خبری نیست بلکه هر اتاق فقط دارای يك تا دو سوراخ در دیوار عرضی و گاهی سوراخی در سقف - که آن را خورك (xôrek) می‌گویند - است، و بی جهت نیست که این اتاقها تاریک‌اند. کم نوری اتاق از يك سو و وجود اجاقهای هیزم سوز که در کف اتاق و نزدیک به در ورودی است، از سوی دیگر، باعث دودگرفتگی و سیاه شدن دیوارها و سقف شده و سبب تاریک شدن هر چه بیشتر فضای اتاق گشته است. نورگیر اصلی این گونه اتاقها، راه ورودی است که اغلب دارای در يك لنگه‌ای است که بر پاشنه می‌چرخد.

انبارهای خانگی (مخفی)

در معماری سنتی دوان اگر دو اتاق در مجاورت یکدیگر قرار گرفته باشند، دیوار قطور میان آنها دارای فضای مناسبی برای ایجاد انبارهای مخفی بوده است. کف این انبارها معمولاً کمی بالاتر از محلی است که پایه‌های طاق قرار دارد. عرض آنها حدود ۱ تا ۱/۵ متر و طول آنها به اندازه طول دو اتاق مجاور است. راه این انبارها معمولاً در اولین طاقچه یا آخرین طاقچه یکی از دو اتاق است که با چند پله به کف آن می‌رسد. هر انبار دارای يك یا دو سوراخ در دو طرف است که به عنوان نورگیر به خارج راه دارد. علاوه بر این هر انبار دارای سوراخی در کف است که به اتاق راه دارد و وسیله انتقال غله به اتاق می‌باشد. گاهی انبار را به وسیله دیواری به ارتفاع حدود نیم‌متر به دو قسمت تقسیم کرده‌اند که هر قسمت را تخ (tax) می‌گویند و هر يك برای نگهداری يك نوع غله بوده است.

در سالهایی که غارتگران به دوان حمله می‌کردند این انبارها محل مناسبی برای مخفی کردن وسایل زندگی مردم بوده است.



تصویر ۱۵-۲: کاخ اردشیر ساسانی در فیروزآباد فارس

شکل ظاهری این اتاقها و انبارها در معماری دوان، یادآور معماری دوره ساسانی مخصوصاً کاخ اردشیر در فیروزآباد است. این مطلب نه از آن جهت گفته می شود که معماری حقیر روستا را با معماری ساسانی مقایسه کرده باشیم بلکه از آن جهت است که شکل ظاهری آنها و استفاده ای را که از فضای بین دو اتاق شده است، نشان داده باشیم. غیر از انبارهای مذکور در کف پستوهای روستا که معمولاً تاریک و بدون نور بوده است، زیر زمینهای کوچکی ساخته شده است که راه آن از کف اتاق با چند پله به کف آن می رسیده است. این محلها مخصوص مخفی کردن وسایل در زمان ناامنی و غارت و چپاول بوده است.

حیات

اتاقهای هر خانه معمولاً در یک جانب حیاط و اغلب رو به دروازه (در ورودی به خانه) قرار دارد. حیاط این خانهها معمولاً وسیع و به دلیل شیب روستا، دارای سکو است. و چون اتاقها در قسمت مرتفع زمین خانه ساخته شده است، سکو همیشه در جلوی ساختمان قرار دارد. در قسمتی از حیاط معمولاً یک تنور زمینی قرار دارد که بر سر آن کبر یا کومه ای ساخته شده است. دیواره کومه ها از سنگهای چیده شده بر روی هم و بدون ملات ساخته شده و سقف آن از چوبهای نازک و خشک شده درخت انگور پوشیده شده است.



تصویر ۱۶-۲: انبار خانگی روستا

در قسمت دیگر حیاط و بویژه اگر درختی در حیاط باشد در زیر آن مشکوذو (maškôḡu) (جای مشک) ساخته شده که به صورت سکوی کوچکی مشک آب را روی آن قرار می‌داده‌اند. سایه‌بان مشکوذهایی که سایه درخت بر سر آن نبوده، پوششی از چوب درخت انگور و بادامک (بادام کوهی) یا تخته سنگهای بلند بوده است.

در بعضی از خانه‌ها که بز و گوسفند نگهداری می‌کردند قسمتی از حیاط به آغل آنها اختصاص داشته است. آغل‌های زمستانی به صورت اتاقی با سقف کوتاه و آغل‌های تابستانی به صورت فضای باز با پرچینی از چوبهای نازک به هم بسته شده بوده است. خانوارهایی که هنوز دارای بز و گوسفند هستند چنین آغل‌هایی در خانه‌هایشان وجود دارد.

طویله یکی دیگر از اجزاء حیاط یا اتاقی از ساختمان خانه است. در تابستان گوشه‌ای از حیاط با ایجاد کپری به طویله قاطر یا الاغ اختصاص داشته و در زمستان اتاقی در مجاور بقیه اتاقها یا در پایین حیاط ساخته شده که هم محل نگهداری چارپایان در زمستان و هم محل نگهداری گاه و علوفه زمستانی آنهاست. مستراح نیز در گوشه‌ای از حیاط قرار دارد.



تصویر ۱۷-۲: بردینگ (سنگ آب)

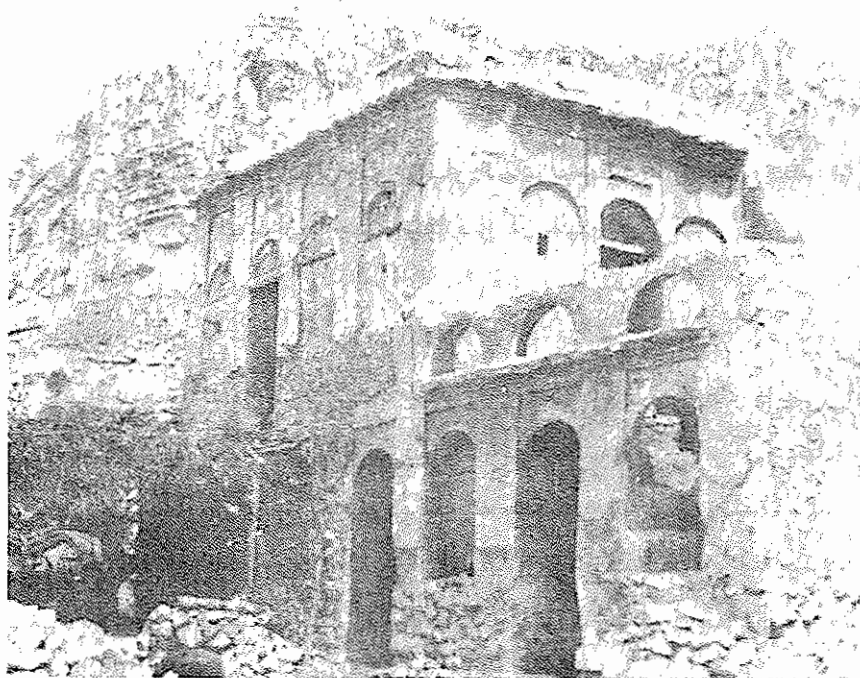
در گوشه دیگر از حیاط و در زیر یکی از ناودانهای بام، يك بردینگ (barding = سنگ آب) قرار دارد که آب باران را جهت استفاده در آن نگهداری می‌کنند.

بام

بام به وسیله پله‌هایی که در حیاط است به حیاط راه پیدا می‌کند. در خانه‌های قدیمی، پله در واقع تخته سنگهایی بوده که در خطی مایل در دیوار کار می‌گذاشتند و پای را بر آن می‌نهادند و به بام می‌رفتند. بام هیچگاه دارای خر پشته نبوده بلکه پله مستقیماً به لبه بام می‌رسیده است. سطح بام پوشیده از «کاهگل» است و در زمستانها بعد از بارش هر باران به وسیله بوگردنه (bu gardena = بام غلطان) کوبیده می‌شود تا از نفوذ آب به داخل بنا جلوگیری بعمل آید. حد فاصل لبه دیوار و کاهگل بام يك ردیف تخته سنگ که به آن بُرگی (borgi = باران‌گیر) گفته می‌شود، کار گذاشته‌اند که حدود ۱۵ سانتی‌متر آن از دیوار بیرون است و از ریزش باران به روی دیوار جلوگیری می‌کند.



تصویر ۱۸-۲: ناذه (ناودان سنگی)



تصویر ۱۹-۲: بام